

توسعه اجتماعی و اندیشه اسلامی

باتکلیف بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

امام علی آبرو

انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

تهران: بزرگراه شهید چمران،

پل مدیریت

تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲

صندوق پستی ۱۴۶۵۵-۱۵۹

E-mail: isu.press@yahoo.com

www.ketabesadiq.ir



دانشگاه امام صادق

توسعه اجتماعی و اندیشه اسلامی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ■ تألیف:

اسماعیل آجرلو ■ ناشر: دانشگاه امام صادق (ع) ■ چاپ اول: ۱۳۹۰ ■ قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه ■ چاپ و صحافی: لال کوثر ■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۱۱۳-۲

همه حقوق محفوظ و متعلق به ناشر است.

سرشناسه: آجرلو، اسماعیل، ۱۳۶۰

عنوان و نام پندآور: توسعه اجتماعی و اندیشه اسلامی با تأکید بر قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران / اسماعیل آجرلو.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۲۷۱ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۱۱۳-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: رشد اجتماعی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام

موضوع: توسعه پایدار -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام

موضوع: رشد اجتماعی -- قوانین و مقررات -- ایران

موضوع: توسعه پایدار -- قوانین و مقررات -- ایران

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)

رده بندی کنگرد: BP ۲۳/۲۳۰۹: ۱۳۹۰

رده بندی دیویی: ۳۹۷/۴۸۳

شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۰۰۸۳۳

فهرست اجمالی

۱	 سخن ناشر
۳	 دیباچه
۷	 مقدمه
۱۳	 بخش اول: کلیات و مفاهیم
۱۵	 فصل اول: تاریخچه، مبانی و مفاهیم توسعه و توسعه اجتماعی
۴۷	 فصل دوم: مبانی و مؤلفه‌های دینی توسعه اجتماعی
۹۵	 بخش دوم: توسعه اجتماعی و مؤلفه‌های قانونی آن
۹۷	 فصل اول: قانون‌گرایی و مفهوم توسعه اجتماعی در قانون اساسی
۱۱۳	 فصل دوم: توسعه اجتماعی و الزامات جامعه مدنی معاصر
۱۵۹	 فصل سوم: مؤلفه‌ها و شاخص‌های توسعه اجتماعی
۱۶۶	 بخش سوم: قانون اساسی و عناصر حقوقی توسعه اجتماعی
۱۷۱	 فصل اول: توسعه اجتماعی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۲۲۳	 فصل دوم: مؤلفه‌ها و نهادهای قانونی ناظر و عامل در توسعه اجتماعی
۲۳۷	 نتایج
۲۴۵	 فهرست منابع و مأخذ
۲۵۵	 نمایه

فهرست تفصیلی

۱		سخن ناشر
۳		دیباچه
۷		مقدمه
۱۳		بخش اول: کلیات و مفاهیم
۱۵		فصل اول: تاریخچه، مبانی و مفاهیم توسعه و توسعه اجتماعی
۱۵		۱. توسعه
۱۶		۱-۱. تاریخچه و مبانی نظری توسعه
۱۶		۱-۱-۱. تاریخچه توسعه
۱۸		۱-۱-۲. مبانی نظری توسعه
۱۹		الف. مفهوم نوسازی
۱۹		ب. مبانی معرفتی اندیشه نوسازی
۲۱		۲-۱. مفاهیم و تعاریف توسعه
۲۱		۱-۲-۱. نگرش به توسعه
۲۱		الف. برداشت اقتصادگرا
۲۲		ب. برداشت مؤثر و رهایی بخش
۲۲		ج. توسعه مفهومی عینی یا ارزشی
۲۳		۲-۲-۱. مفهوم شناسی توسعه
۲۳		الف. معنای لغوی
۲۴		ب. معنای جامعه‌شناختی
۲۴		ج. تعاریف مصطلح توسعه

د □ توسعه اجتماعی و اندیشه اسلامی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۲۶	۲. توسعه اجتماعی.....
۲۶	۱-۱-۲. تاریخچه و مبانی نظری توسعه اجتماعی.....
۲۷	۱-۱-۲. تاریخچه توسعه اجتماعی.....
۲۸	۱-۱-۲. مبانی نظری توسعه اجتماعی.....
۲۹	الف. دیدگاه های رفاه‌گرا و مارکسیستی.....
۳۰	۲-۲. مفاهیم و تعاریف توسعه اجتماعی.....
۳۱	۱-۲-۲. مفهوم شناسی توسعه اجتماعی.....
۳۳	۲-۲-۱. تعاریف توسعه اجتماعی.....
۳۳	الف. تعاریف کلاسیک توسعه اجتماعی.....
۳۴	ب. تعاریف مصطلح و بون توسعه اجتماعی.....
۳۸	ج. سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی.....
۴۱	د. حقوق بشر و توسعه اجتماعی.....
۴۴	ه. حکمرانی خوب و توسعه اجتماعی.....
۴۷	فصل دوم: مبانی و مؤلفه‌های دینی توسعه اجتماعی.....
۴۹	۱. مفهوم شناسی توسعه و توسعه اجتماعی در اندیشه دینی.....
۴۹	۱-۱. بررسی مبانی توسعه و توسعه اجتماعی در اندیشه اسلامی.....
۵۰	۱-۱-۱. تفاوت در مبانی معرفتی.....
۵۳	۲-۱-۱. تفاوت در معیارهای سنجش.....
۵۶	۲-۱. تحلیل نظری توسعه و توسعه اجتماعی در اندیشه اسلامی.....
۵۷	۱-۲-۱. امکان پرداخت توسعه و توسعه اجتماعی از منظر اسلامی.....
۵۷	الف. جامعیت اسلام.....
۶۰	ب. نگرش اسلام به توسعه و توسعه اجتماعی.....
۶۴	ج. نقش ارزش‌ها در توسعه اجتماعی.....
۶۸	۲-۲-۱. اصطلاحات مترادف در اندیشه اسلامی.....
۶۹	الف. ملزومات مفهومی توسعه اجتماعی در اسلام.....
۷۳	ب. اصطلاح معادل.....
۸۷	ج. حیات طیبه و توسعه اجتماعی.....
۸۹	د. حیات طیبه آرمانی جهانی.....
۹۱	جمع‌بندی بخش اول.....

بخش دوم: توسعه اجتماعی و مؤلفه‌های قانونی آن	۹۵
فصل اول: قانون‌گرایی و مفهوم توسعه اجتماعی در قانون اساسی	۹۷
۱. انواع قانون و جایگاه آن‌ها	۹۸
۱-۱. قانون اساسی	۹۸
۱-۱-۱. دلایل ظهور	۹۹
۱-۱-۲. انواع قانون اساسی	۱۰۰
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	۱۰۲
۲-۱. قانون عادی و مفهوم آن در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران	۱۰۲
۳-۱. آیین‌نامه و مقررات دولتی	۱۰۵
۱-۳-۱. آئین‌نامه یا نظام‌نامه	۱۰۵
۲-۳-۱. مقررات	۱۰۵
۳-۳-۱. تصویب‌نامه	۱۰۶
۴-۱. سلسله مراتب قوانین	۱۰۷
۱-۴-۱. سلسله مراتب قوانین و سلسله مراتب اداری	۱۰۸
۲-۴-۱. برتری قانون اساسی نسبت به قوانین عادی	۱۰۹
۳-۴-۱. برتری قانون نسبت به آیین‌نامه	۱۱۰
فصل دوم: توسعه اجتماعی و الزامات جامعه مدنی معاصر	۱۱۳
۱. الزامات توسعه اجتماعی	۱۱۳
۱-۱. آرمان‌های اجتماعی	۱۱۴
۲-۱. اقتدار اجتماعی و فرهنگی دولت	۱۱۶
۳-۱. آگاهی و مهارت	۱۱۹
۲. پیش شرط‌های توسعه اجتماعی	۱۲۰
۱-۲. توسعه فرهنگی	۱۲۰
۲-۲. توسعه سیاسی	۱۲۵
۳-۲. توسعه اقتصادی	۱۳۰
۱-۳-۲. شاخص‌های توسعه اقتصادی	۱۳۲
۲-۳-۲. مکاتب مختلف توسعه اقتصادی	۱۳۳
۳-۳-۲. رویکردها به علل اصلی فرآیند توسعه اقتصادی	۱۳۵
۳. ارزش‌های بنیادین مرتبط با توسعه اجتماعی	۱۳۶

و □ توسعه اجتماعی و اندیشه اسلامی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

- ۱۳۶..... ۱-۳. کرامت و حیثیت ذاتی بشر..... ۱۳۶
- ۱۳۶..... ۱-۱-۳. مفهوم کرامت انسانی..... ۱۳۶
- ۱۳۸..... ۲-۱-۳. کرامت انسان در اندیشه اسلامی..... ۱۳۸
- ۱۴۱..... ۲-۳. عدالت اجتماعی و مساوات..... ۱۴۱
- ۱۴۲..... ۱-۲-۳. مفهوم عدالت و عدالت اجتماعی..... ۱۴۲
- ۱۴۳..... اول. عدالت در نگاه مکاتب دیگر..... ۱۴۳
- ۱۴۴..... ۲-۲-۳. ابعاد عدالت اجتماعی در اسلام..... ۱۴۴
- ۱۴۷..... ۲-۳. آزادی..... ۱۴۷
- ۱۴۷..... ۱-۳-۳. مفهوم آزادی..... ۱۴۷
- ۱۴۸..... ۲-۳-۳. آزادی از دیدگاه اندیشمندان غربی..... ۱۴۸
- ۱۵۰..... ۳-۳-۳. آزادی از دیدگاه اندیشمندان مسلمان..... ۱۵۰
- ۱۵۳..... ۴-۳-۳. انواع آزادی..... ۱۵۳
- ۱۵۳..... ۵-۳-۳. آزادی اجتماعات: آزادی مطبوعات و سایر ارزش‌های بنیادین انسان در اجتماع..... ۱۵۴
- ۱۵۴..... ۴-۳. مشارکت و تلفیق..... ۱۵۴
- ۱۵۵..... ۱-۴-۳. مفهوم مشارکت و ویژگی‌های آن..... ۱۵۵
- ۱۵۶..... ۲-۴-۳. اندیشه‌های مهم در مشارکت..... ۱۵۶
- ۱۵۷..... ۳-۴-۳. اهداف مشارکت..... ۱۵۷
- ۱۵۷..... ۴-۴-۳. ساز و کارهای دست‌یابی به مشارکت..... ۱۵۷
- ۱۵۸..... ۵-۴-۳. مصادیق مختلف مشارکت و عناصر آن..... ۱۵۸
- ۱۵۹..... فصل سوم: مؤلفه‌ها و شاخص‌های توسعه اجتماعی..... ۱۵۹
- ۱۵۹..... ۱. توسعه اجتماعی، تأمین نیازهای بشر و ارتقاء کیفیت زندگی..... ۱۵۹
- ۱۶۱..... ۲. توسعه اجتماعی و مؤلفه‌های کمی و کیفی..... ۱۶۱
- ۱۶۱..... ۱-۲. منظور از مؤلفه‌های کمی و کیفی..... ۱۶۱
- ۱۶۲..... ۱-۱-۲. جنبه‌های کیفی توسعه اجتماعی..... ۱۶۲
- ۱۶۲..... ۲-۱-۲. شاخص‌های کمی توسعه اجتماعی..... ۱۶۲
- ۱۶۳..... ۲-۲. توسعه اجتماعی و مؤلفه‌های مفهومی عام..... ۱۶۳
- ۱۶۳..... ۱-۲-۲. توسعه اجتماعی بیان‌گر سیستم اجتماعی..... ۱۶۳

۲-۲-۲. دگرگونی اجتماعی.....	۱۶۴
۲-۲-۳. رفاه اجتماعی.....	۱۶۴
۲-۲-۴. شاخص‌های برابر توسعه اجتماعی در کنفرانس کپنهاک.....	۱۶۵
جمع‌بندی بخش دوم.....	۱۶۶
بخش سوم: قانون اساسی و عناصر حقوقی توسعه اجتماعی.....	۱۶۹
فصل اول: توسعه اجتماعی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	۱۷۱
۱. قانون و قانون اساسی در نظام اسلامی.....	۱۷۱
۱-۱. تأملی بر مفهوم و اقسام قانون در نظام اسلامی.....	۱۷۱
۱-۲. الگوی قانون اساسی و اسناد راهبردی در توسعه اجتماعی.....	۱۷۶
۱-۲-۱. قانون اساسی.....	۱۷۷
۱-۲-۲. سیاست‌های کلی نظام.....	۱۷۹
اول. تعریف سیاست‌های کلی.....	۱۸۰
دوم. انواع سیاست‌های کلی.....	۱۸۱
سوم. ضرورت تعیین سیاست‌های کلی نظام.....	۱۸۳
چهارم. ماهیت سیاست‌های کلی.....	۱۸۴
پنجم. جایگاه حقوقی سیاست‌های کلی.....	۱۸۵
۱-۲-۳. سند چشم‌انداز بیست ساله.....	۱۸۷
اول. دلایل شکل‌گیری چشم‌انداز.....	۱۸۸
دوم. ایجاد انگیزه و آرمانی بودن چشم‌انداز.....	۱۸۸
سوم. مؤلفه‌های مهم چشم‌انداز.....	۱۸۹
۲-۱. جایگاه توسعه اجتماعی در قانون اساسی.....	۱۹۱
۱-۳-۱. مفهوم توسعه اجتماعی در قانون اساسی.....	۱۹۱
۲-۳-۱. مصادیق توسعه اجتماعی در قانون اساسی.....	۱۹۳
۲. قانون اساسی و ارزش‌های بنیادین توسعه اجتماعی.....	۱۹۶
۱-۲. احترام به کرامت و حیثیت ذاتی بشر.....	۱۹۷
۲-۲. عدالت اجتماعی.....	۱۹۸
۱-۲-۲. عدالت اقتصادی.....	۱۹۸
۲-۲-۲. عدالت حقوقی.....	۱۹۹
۳-۲-۲. مساوات.....	۲۰۰
۳-۲. آزادی و آزادیگی.....	۲۰۰

ح □ توسعه اجتماعی و اندیشه اسلامی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

- ۲-۳-۱. نفی ستم‌گری و سلطه جویی..... ۲۰۰
- ۲-۳-۲. آزادی و نفی هر گونه استبداد..... ۲۰۱
- ۴-۲. مشارکت اجتماعی و عمومی..... ۲۰۱
- ۵-۲. ارزش‌های حقوق بشری..... ۲۰۲
۲. قانون اساسی و الزامات و پیش شرط‌های توسعه..... ۲۰۳
- ۱-۳. الزامات توسعه اجتماعی..... ۲۰۳
- ۲-۲. پیش شرط‌های توسعه اجتماعی..... ۲۰۵
- ۱-۲-۱. توسعه فرهنگی در قانون اساسی..... ۲۰۵
- ۱-۲-۳. توسعه سیاسی در قانون اساسی..... ۲۰۸
- ۲-۲-۳. توسعه اقتصادی در قانون اساسی..... ۲۱۴
- فصل دوم: مولفه‌ها و نهادهای قانونی ناظر و عامل در توسعه اجتماعی. ۲۲۳**
۱. قانون اساسی و مؤلفه‌های مفهومی توسعه اجتماعی..... ۲۲۳
- ۱-۱. قانون اساسی، رفع نیازها و مؤلفه‌های کمی..... ۲۲۴
- ۱-۱-۱. نیازهای بقا..... ۲۲۴
- ۲-۱-۱. نیازهای اجتماعی..... ۲۲۴
- ۳-۱-۱. نیازهای فرهنگی و روانی..... ۲۲۵
- ۴-۱-۱. نیازهای رفاهی..... ۲۲۵
- ۲-۱. قانون اساسی، مؤلفه‌های عام و کیفی توسعه اجتماعی..... ۲۲۵
۲. قانون اساسی، نهادهای مجری و ناظر بر توسعه اجتماعی..... ۲۲۶
- ۱-۲. قانون اساسی، نهادهای مجری و ناظر بر توسعه اجتماعی..... ۲۲۷
- ۱-۱-۲. شوراهای اسلامی شهر و روستا..... ۲۲۷
- ۲-۱-۲. انتخابات..... ۲۲۷
- ۳-۱-۲. سازمان‌های مربوط به تأمین اجتماعی..... ۲۲۷
- ۴-۱-۲. وزارت‌خانه‌ها و نهادهای مرتبط..... ۲۲۷
- ۵-۱-۲. مجمع تشخیص مصلحت..... ۲۲۸
- ۶-۱-۲. نهادهای نظارتی..... ۲۲۸
- ۲-۲. اصل چهارم قانون اساسی، ولایت فقیه و برنامه‌های توسعه اجتماعی..... ۲۲۸
- ۱-۲-۲. رابطه قانون و ولایت فقیه..... ۲۲۹

۲۲۹	الف. در چارچوب قانون
۲۳۰	ب. فوق قانون
۲۳۱	۲-۲. ولایت فقیه و برنامه ریزی توسعه اجتماعی
۲۳۳	۲-۲. شیوه اجرایی سیستم باز توسعه
۲۳۳	جمع‌بندی بخش سوم
۲۳۷	نتایج
۲۴۵	فهرست منابع و مآخذ
۲۴۵	منابع فارسی
۲۴۵	کتاب‌های فارسی
۲۵۱	مقالات
۲۵۳	منابع اینترنتی
۲۵۳	منابع لاتین
۲۵۴	منابع عربی
۲۵۵	نمایه

www.ketab.ir

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ

(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می توان مقوله ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می یابد زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متاثر و دگرگون می سازد.

از سوی دیگر «سیاست ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست ها در گرو انجام پژوهش های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. از این منظر سیاست گامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان های فکری و اجرایی به حساب می آیند و نمی توان آینده درخشانی را بدون توانایی های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که بیش از «ربع قرن» تجربه دارد و هم اکنون ثمرات نیکوی این شجره طیبه در فضای ملی و بین المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و

جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود در طلیعه دور جدید فعالیتش بتواند به توسعه و تقویت آنها در پرتو عنایات حضرت حق تعالی، اهتمام ورزد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی- کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند- درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق (علیه السلام) را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان شاء الله)

وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

توسعه اجتماعی در مفهوم عام خود مجموعه ای از حوزه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی حیات جمعی شهروندان را در بر می گیرد. اندیشه وجود مفهوم و سپس پدیده ای جمعی نه نام توسعه اجتماعی اندک زمانی است که وارد ادبیات جامعه شناسی، علوم سیاسی و در نهایت حقوق شده است. پیشتر اندیشمندان در خصوص رشد و تعالی جوامع و در مقایسه هر یک با دیگری از اصطلاحاتی چون توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی بصورت مستقل بهره می گرفتند. نگاهی به ادبیات توسعه در نیم قرن اخیر حکایت از تکثریایی دارد که هر یک از این دو سبک توسعه اخیر در آن نقش اصلی را بر عهده داشتند. گاهی توسعه سیاسی و گاهی توسعه اقتصادی به مثابه عنصر لازم برای پیشرفت در جامعه مدنی، معرکه ای بود که روشنفکران جامعه را سخت به خود مشغول کرده بود. در این کشمکش و نزاع نظریه ها طرح تفکر توسعه اجتماعی در حقیقت جمع ایندو سبک توسعه به همراه تاکید بر مقوله های فرهنگی - اجتماعی در یک جامعه بود. تصور این بود که دیگر حکایت تقدم یکی بر دیگری و تاکید بر نوعی الگو سازی بر محور این دو

نوع توسعه برای جهان سوم و یا کشورهای در حال توسعه چندان منطقی و معقول به نظر نمی رسد گو اینکه بسیاری از کشورهای ظاهراً دموکرات در باتلاق اقتصادی غوطه ورنند و بالعکس بسیاری از کشورهای ظاهراً مستبد ساخت در حال تبدیل شدن به قدرتهای برتر اقتصادی هستند. معیارهای توسعه و شاخص های قدیم یا دقیق تنظیم نشده و یا اینکه اساساً مربوط به منطقه ای خاص بوده که به غلط جهانشمول تلقی شده است. از اینرو تأملات جدید در این خصوص که معیار توسعه نمی تواند لزوماً امور سیاسی و یا صرفاً مسائل اقتصادی باشد بلکه نوعی علایق اجتماعی و سلیق فرهنگی هم در این رابطه قابل توجه است باعث گردید تا دریچه ای جدید در مطالعات توسعه تحت عنوان توسعه اجتماعی باز گردد که برای بسیار توسعه اجتماعی در حقیقت به معنای واقعی توسعه همان شاخصه ها و شاکله های سخت توسعه اقتصادی و سیاسی است که با عناصری نرم چون مولفه های توسعه فرهنگی و توسعه انسانی، در مجموع لقب توسعه اجتماعی به خود می گیرند. به مرور مولفه های این نوع توسعه هم با محوریت مسائل کلان چون هویت، انسجام اجتماعی، بهداشت، آموزش، رسانه توسعه یافت و مقولاتی خردتر همچون دسترسی به خدمات آموزشی بومی، نرخ جمعیت با سواد، طول عمر، میزان مرگ و میر نوزادان، سوء تغذیه و تغذیه مناسب، آمار خودکشی، اعدام، اقلیتها، حقوق بنیادین، سطح بهداشت، کنترل بیماریها، مسکن مناسب، برابری زن و مرد و در نهایت عدالت اجتماعی را نیز در بر گرفت. مهمترین موضوع از این نظر توسعه انسانی و آنهم در عمل به معنی مقابله با فقر و نابرابری بود که باید با سیاست گذاریهای اجتماعی تامین می شد. در عمل این نوع توسعه چیزی جز توسعه انسانی تفسیر نمی شد که در یک جامعه مدنی اولین مخاطب و مسئول آن دولت است.

بررسی این نظریه در حوزه حقوق عمومی و نقش دولت، بالاخره در دو دهه اخیر باعث رونق مباحث جدیدی در توسعه اجتماعی شد که تحت عنوان سرمایه اجتماعی معروف شد. حال برعکس نظریه پیشین در دل این نظریه اخیر هر یک از علوم تلاش کردند تا سهم خود را بعنوان نوعی تقسیم کار اجتماعی مشخص کنند. بنابراین اگر روش قبلی را استقرایی می نامیدیم، در نظریه حاضر، با یک روش قیاسی علوم مختلف که در گذشته هر یک شعبه ای از توسعه را به نام و نفع خود ترویج می کردند در این رویکرد اخیر هر یک تلاش کردند تا بخشی از ابعاد توسعه در این نظریه را پوشش داده و به نوعی مجموعاً نحوه کار خویش را توسعه مشترک بنامند. این عرصه توسعه که بیشتر به نقشه ساختمانی می ماند که هر مهندسی متعهد به تامین و تاسیس بخشی از آن بود که در تخصص اوست، در نهایت چیزی جز جمع آوری عناصر نرم توسعه های قبلی نبود که از تک تک نظریه های توسعه مثلاً سیاسی یا اقتصادی، فرهنگی و یا اجتماعی استخراج شده بود. در میان بخشهای و شاخه های مختلف دانش، سهم علم حقوق در سرمایه اجتماعی به مثابه ستون فقرات توسعه اجتماعی جامعه، معطوف به تامین و تضمین حقوق بنیادین و اساسی شهروندان جامعه بود. از اینرو واژگانی چون توسعه عدالت، عدالت قضایی، آموزشی، تفریحی، حقوق بشر، احترام به قانون، وفای به عهد و عقود، شفافیت و صداقت حاکمان، حکمرانی خوب، حقوق فرهنگی، حق بر آزادی، حقوق شهروندی، و هر عنوانی که ناظر به نوعی رابطه حق و تکلیفی در تعهدات شهروند و دولت در یک جامعه مدنی بود ذیل تعهدات دانش حقوق برای توسعه سرمایه اجتماعی تعریف می شد. اما بسیار جالب اینکه چون نظریه پردازان توسعه اجتماعی و به تبع آن سرمایه اجتماعی عموماً غیرحقوقدان و بیشتر از اندیشمندان حوزه جامعه شناسی و علوم سیاسی بودند، هیچگاه واژگانی چون توسعه حقوقی و

۶ □ توسعه اجتماعی و اندیشه اسلامی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

با سرمایه حقوقی زاینده نشد. در واقع این شاه کلید توسعه که تنها بدست حقوقدانان قابل ساخت و پرداخت بود، بی توجه در سایر علوم مورد تفحص قرار گرفت و هر رشته ای از عدالت، بهداشت، دموکراسی، حکمرانی، حقوق انسانی و مشابه آن سخن گفتند بدون آنکه دقیقا از متخصص و مسئول دقیق این امور سوال کنند. متخصص این امور رشته حقوق و مسئول این حقوق کسی جز دولت نبود. مطالعه رابطه دولت و حقوق شهروندان نیز در علم حقوق شاخه ای متکفل آن است که از آن به حقوق عمومی یاد میکنند.

کتاب حاضر در حقیقت تلاشی زیبا بوده است تا سه حوزه دانش : علوم سیاسی، جامعه شناسی و حقوق را در مسائلی که مربوط به توسعه اجتماعی جامعه معاصر است گرد هم آورده و ارزیابی نماید. اما با توجه به اینکه هیچ مطالعه نظری نمی تواند دغدغه های عمومی جامعه خودی را نادیده بگیرد، تلاش مضاعف نگارنده محترم صرف آن شده تا نشان دهد که حال این مولفه های توسعه اجتماعی چگونه در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران متبلور شده است. این مطالعه طبعا مسبوق به این بوده است تا محقق پیشتر از تعامل توسعه اجتماعی و منطق دینی آن در دین مبین اسلام سوال کند. مطالعات انجام شده در این خصوص عموما بر محور مکتب حقوق شیعه رقم خورده است. در هر صورت کتاب حاضر را می توان اولین اثر به زبان فارسی دانست که در قالب یک مطالعه میان رشته ای روی نقش دولت در تأمین حقوق شهروندان در یک توسعه اجتماعی پایدار تأکید دارد.

محمد جواد جاوید

عضو هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

۱۳۸۹/۰۸/۱۸

مقدمه

امروزه توسعه یکی از مهم ترین موضوعات مورد بحث در کشور ما و سایر کشورهای در حال توسعه می باشد. توسعه اجتماعی هم از جمله مباحثی است که بیشتر در حوزه جامعه شناسی قرار می گیرد اما توجه به موضوع توسعه اجتماعی از بعد حقوقی آن به ویژه از منظر حقوق عمومی و حقوق اساسی که پایه و مبدأ جهت گیری های مسائل عمده کشور است، از ضرورت خاصی برخوردار است. از طرفی با توجه به رویکردهای خاص جامعه اسلامی، تبیین مبانی دینی توسعه اجتماعی از اصول پژوهش های بومی و کاربردی می باشد.

علی رغم تلاش های فراوان جهت اعمال و اجرای برنامه های گوناگون توسعه و توسعه اجتماعی در قالب برنامه های پنج ساله توسعه، برنامه های بودجه سالانه، قوانین مصوب مرتبط با سیاست گذاری های مالی، اجتماعی و فرهنگی دولت و حتی در بحث های پیرامون سند چشم انداز بیست ساله و قانون اصل ۴۴، کمتر به ظرفیت های قانونی و حقوقی کشور جهت تسهیل و جهت دهی به امور توسعه اجتماعی به گونه ای علمی و استراتژیک توجه شده و ادبیات علمی قابل توجهی نیز تولید نشده است؛ در حالی که قانون

اساسی یگانه سند محوری است که تمام جهت‌گیری‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... را در یک جامعه معین می‌کند. اهداف و آرمان‌های مردم در قانون اساسی آن‌ها متبلور است و به طور کلی چارچوب حقوقی کل است که تمام فعالیت‌ها - با توجه به ظرفیت‌ها و موارد پیش‌بینی شده - در آن شکل می‌گیرند و هیچ برنامه و فعالیتی خارج از آن امکان اجرایی شدن را ندارد. از طرفی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به توسعه، توسعه اجتماعی و الگوهای آن توجه فراوان نموده است. توسعه اجتماعی از مفاهیمی است که با چگونگی شیوه زندگی افراد یک جامعه پیوندی تنگاتنگ دارد و در ابعاد عینی بیشتر ناظر بر بالا بردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه‌های فقرزدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش و چگونگی مشارکت و وفاق عمومی می‌باشد. نکته مهم این‌که اهداف مدنظر توسعه اجتماعی و رویکردهای مبنایی قانون اساسی، نقاط مشترک زیادی دارند، که از جمله آن‌ها می‌توان رسیدن انسان به سعادت و رضایت‌مندی اجتماعی، مبتنی بر رشد مادی و معنوی، از مسیر جامعه‌ای سالم با مؤلفه‌های بالای کیفیت زندگی فردی و اجتماعی را نام برد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که با تلاش بی‌نظیر جمع کثیری از علما و متفکرین جامعه بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران در سال ۱۳۵۷ تدوین شد، هدف اساسی جامعه اسلامی مورد نظر خود را تعالی بشر و رسیدن او به حالت طیبه بر اساس الگوهای اسلامی و استفاده از تجربیات بشری برمی‌شمرد و این مهم از محتوای مقدمه و تصریح اصول مختلف آن، قابل استخراج است. هر چند جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک قانون اساسی بر مبنای اندیشه اسلامی، افقی فراتر از مؤلفه‌های کمی و کیفی مدنظر توسعه اجتماعی مصطلح را برای جامعه اسلامی ما ترسیم می‌نماید، اما به نظر می‌رسد بررسی تطبیقی مفاهیم

توسعه اجتماعی با قانون اساسی و مبانی دینی آن‌ها می‌تواند نتایج مفید علمی و کاربردی در پی داشته باشد؛ اول این‌که بررسی مفاهیم و تعاریف مصطلح توسعه و توسعه اجتماعی در کنار مبانی دینی و معرفتی اسلام، می‌تواند ما را با ادبیات علمی موجود آشنا کرده و زمینه نقد منصفانه آن را با توجه به رویکرد کاربردی در جامعه اسلامی فراهم آورد؛ دوم این‌که بررسی مبانی اسلامی و علمی قانون اساسی در ارتباط با موضوع توسعه اجتماعی می‌تواند ما را به فضای نظریه‌پردازی بومی و تولید ادبیات و غنای مفاهیم توسعه اجتماعی مدنظر اسلام نزدیک سازد و سوم این‌که بررسی مؤلفه‌های توسعه اجتماعی - از نظر اسلامی و علمی مصطلح - زمینه مطالعات تطبیقی این موضوع با قانون اساسی را فراهم کرده و سبب آشنایی بهتر و افزایش ظرفیت‌های علمی و اجرایی قانون اساسی می‌شود.

همچنین استفاده از ظرفیت‌های قانون اساسی در جهت برنامه‌ریزی صحیح توسعه اجتماعی در کشور و اجرایی شدن هرچه کامل‌تر سیاست‌های کلی نظام به ویژه در سند چشم‌انداز بیست ساله و... محور اصلی محسوب می‌شود، که از جمله اهداف مورد نظر این کتاب تلقی می‌گردد.

بنابراین ملاحظه دقیق در این زمینه نشان می‌دهد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران الزامات، پیش‌شرط‌ها، ارزش‌های زمینه‌ساز، مؤلفه‌های مختلف و حتی نهادهای شکل دهنده و ناظر بر برنامه‌های توسعه اجتماعی لحاظ شده است. از این رو با الهام از اصول قانون اساسی می‌توان الگوی توسعه و توسعه اجتماعی مطلوب و درون‌زا را در هر زمان متناسب با شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور ترسیم نمود. لذا موضوع اصلی این کتاب بررسی مؤلفه‌های توسعه اجتماعی از منظر علمی و اسلامی و تبلور آن‌ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی است، تا هر چه بیشتر ظرفیت‌های قانونی این میثاق ملی در این زمینه شناخته شده و مورد توجه قرار گیرد.

پرسش اصلی مطرح شده در این کتاب این است که: مفاهیم و مؤلفه‌های توسعه اجتماعی مبتنی بر الگوی بومی و اسلامی آن در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چیست و چگونه قابل شناسایی می‌باشند؟ در عین حال، موضوع محوری و اصلی دارای برخی پرسش‌های حاشیه‌ای و فرعی است و همراه با پاسخ به سوال اصلی، به آن‌ها نیز پاسخ‌های مقتضی داده خواهد شد، که عبارتند از:

- الزامات و تکالیف ناشی از توسعه اجتماعی در ادبیات مصطلح علمی و دینی چیست؟
- تعاریف و اصطلاحات معادل توسعه اجتماعی در اندیشه اسلامی و مبانی قانون اساسی چیست؟

دو رویکرد روش‌شناسانه در فرضیه‌های رایج، رویکردهای توصیفی و رویکردهای تحلیلی هستند؛ در رویکرد توصیفی فرضیه‌ها نسبتاً ساده بوده و صرفاً مصادیق رایج مباحث توسعه و توسعه اجتماعی را در قانون اساسی و مبانی دینی، مطرح کرده و غالباً یا تأییدی بر انطباق آن‌ها ارائه داده و یا به نفی جدی آن‌ها پرداخته‌اند. اما در رویکردهای تحلیلی سعی بر آن است تا ضمن ارائه تحلیل‌های بدیع و نوآورانه، در حیطه مفهوم سازی وارد شده و با مبانی علمی و منطقی نقاط انطباق و افتراق نمایان شود. سعی نویسنده بر آن است تا با رویکردی نسبتاً تحلیلی راهکارهای مدنظر ارائه و نوآوری‌های لازم در آن‌ها اعمال گردد. لذا نظریه‌های اصلی را می‌توان چنین برشمرد:

۱. مؤلفه‌های توسعه اجتماعی را می‌توان در اصول قانون اساسی به مؤلفه‌های کمی و کیفی تقسیم نمود، که در آن از تأمین نیازهای بقا، نیازهای اجتماعی، فرهنگی و رفاهی (بصورت کمی) و ایجاد وحدت اجتماعی، پویایی اجتماعی، اخلاق، انگیزش درونی و... (بصورت کیفی) نام برده می‌شود؛
۲. الزامات و تکالیف ناشی از توسعه اجتماعی از هستی‌شناسی اجتماعی

ناشی می‌شود که مباحث و مصادیق آن در قانون اساسی و علوم اجتماعی در مواردی چون: وجود آرمان اجتماعی، اقتدار حاکمیت، اقتدار فرهنگی - اجتماعی، آگاهی، مهارت و همچنین پیش‌شرط‌ها و تکالیف عمده‌ای چون ایجاد بسترهای فرهنگی مناسب توسعه حقوقی، توسعه سیاسی و اقتصادی لحاظ شده است!

۱. مبانی دینی مفاهیم، مؤلفه‌ها و الزامات توسعه اجتماعی مبتنی بر متون اسلامی در قالب جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک قانون اساسی و اصول مختلف آن در بیان ارزش‌های مرتبط با توسعه اجتماعی و مفهوم سازی بومی «حیات طیبه» تبیین می‌گردد.

شناخت این تمهیدات و ظرفیت‌های قانون اساسی و مبانی دینی و استفاده از آن‌ها در کنار برنامه‌های فنی مربوط، از ملزومات اساسی بوده و به توسعه هر چه بیشتر جامعه و رسیدن به شاخص‌های بالای توسعه اجتماعی می‌انجامد.

لذا نویسنده در این نوشتار به دنبال آن است که در ابتدا با بررسی تاریخچه، مبانی نظری، مفاهیم و تعاریف متداول از موضوع توسعه، توسعه اجتماعی و بررسی منتقدانه و بی‌طرف آن به ارائه دیدگاه متداول در ادبیات علمی و رایج موضوع بپردازد. آنگاه با تبیین مبانی دینی و اسلامی توسعه اجتماعی زمینه‌آشنایی با دیدگاه اسلامی بحث و ارائه نظریه‌های بومی را فراهم آورد. سپس با احصاء مؤلفه‌ها و الزامات توسعه اجتماعی به بررسی تطبیقی آن‌ها در قانون اساسی بپردازد.

در این روند دو هدف عمده مدنظر است: اول، مفهوم‌شناسی نوین موضوع و دوم، شناخت ظرفیت‌ها و تمهیدات قانون اساسی در ارتباط با آن. موضوع این کتاب دارای ویژگی میان‌رشته‌ای بودن است، به‌گونه‌ای که در سه حیطه‌ی موضوعی رشته‌های حقوق بویژه قانون اساسی، مباحث جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی و علوم سیاسی قرار داشته و از طرفی مرتبط با معارف اسلامی می‌باشد.

۱۲ □ توسعه اجتماعی و اندیشه اسلامی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

امید که این تلاش علمی زمینه‌ساز فعالیت‌های هرچه بیشتر اندیشمندان در تبیین نظریه‌های بومی و کاربردی در فرایند تعالی و پیشرفت جامعه اسلامی گردد.

www.ketab.ir